

رژیم حقوقی دریای خزر و اختلافات راهبردی ایران و جمهوری آذربایجان

از منظر حقوق بین‌الملل

رحمت حاجی مینه؛ میثم رضا زاده^۲

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۳۱

صص: ۲۷۹-۳۰۱

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شابا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



چکیده

فروپاشی شوروی و تبدیل دو همسایه آبی خزر ایران و روسیه و اضافه شدن سه کشور دیگر آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، موجب بروز اختلافات مرزی بین آنها شده است. در همین حال نگرش این کشورها نیز نسبت به اوضاع و احوال این پهنه آبی و روش‌های مالکیت و بهره‌برداری از آن تغییر کرده است. از جمله مهم‌ترین کشورهایی که در این زمینه با یکدیگر اختلاف دارند، ایران و جمهوری آذربایجان می‌باشند. دو کشور با وجود داشتن اشتراکات تاریخی در مسائل مربوط به دریای خزر از منظر حقوقی و راهبردی دارای تفاوت دیدگاه می‌باشند که بررسی آن را ضروری کرده است. بدین‌سان این پژوهش در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که عوامل تأثیرگذار بر اختلافات ایران و جمهوری آذربایجان به لحاظ حقوقی در دریای خزر چیست؟ مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای، پاسخ داده است که نگرش‌های مختلف دو کشور در مورد دریا یا دریاچه بودن، نگرش مختلف به کنوانسیون‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۲۰، تفاوت نگرش در تعیین حدود و اختلافات در مسائل تقسیم‌میدان مشترک انرژی و جزایر مصنوعی از نقاط اختلاف راهبردی دو کشور می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تداوم رویکردهای فعلی و عدم حل و فصل مسالمت‌آمیز آنها مانع همگرایی دو کشور در حوزه همکاری‌های آبی-انرژی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تحدید حدود، جمهوری آذربایجان، ایران، دریای خزر، اختلافات راهبردی.

DOI: 10.22080/jpir.2024.27281.1383

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه حقوق، واحد تهران شرق، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

r.hajimineh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

۱. مقدمه

دریای خزر بزرگ‌ترین حوضه آبی سرپوشیده جهان است که مساحت آن ۳۸۶ هزار کیلومتر مربع است. از نظر موقعیت جغرافیایی، بخش شمالی دریای خزر ۴ تا ۶ متر و بسیار کم عمق است. قسمت جنوبی که حداکثر ۱۰۰۰ متر عمق دارد، تقریباً یک سوم کل مساحت آن را تشکیل می‌دهد. منطقه میانی نیز دارای عمق ۱۵۰-۱۰۰ متر است (Vinogradov and Wouters, 1995: 606). همچنین دریای خزر از طریق رودخانه‌های ولگا-دنپر-دون به دریاهای سفید، سیاه و بالتیک متصل می‌شود. بنابراین برای ناوبری اهمیت زیادی دارد. این در حالی است که دریای خزر شامل انواع وسیع و متنوع ماهی است و بیش از ۹۰ درصد خاویار جهان را هم تأمین می‌کند (Abdolhay, 2004: 133). وجود همین پتانسیل‌ها، اهمیت حوزه آبی خزر را برای کشورهای هم‌جوار آن حیاتی کرده است. زمانی این حوزه آبی فقط بین ایران و شوروی مشترک بوده است و مسائل آن از جمله تحدید حدود دریایی مربوط به این دو کشور بوده است. اما با فروپاشی شوروی و تبدیل شدن همسایگان خزری از دو کشور به پنج کشور، مسائل آن نیز پیچیده و حل آن سخت‌تر کرده است. پژوهش حاضر این سؤال را مطرح می‌کند که عوامل تأثیرگذار بر اختلافات راهبردی ایران و جمهوری آذربایجان به لحاظ حقوقی در دریای خزر چیست؟ فرضیه مقاله پاسخ داده است که نگرش‌های مختلف دو کشور در مورد دریا یا دریاچه بودن، برداشت مختلف از کنوانسیون‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۲۰، تفاوت دیدگاه در تعیین حدود سرزمینی و اختلافات در تقسیم میادین مشترک انرژی و جزایر مصنوعی از نقاط اختلاف راهبردی دو کشور به لحاظ حقوقی می‌باشد.

قابل ذکر است که در این زمینه مقالات و نوشتارهای متعددی نیز به رشته تحریر درآمده است که نوشتارهای خارجی شامل النا کاراتایوا (۲۰۲۰) «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: پاسخ نهایی یا راه‌حلی موقت برای مسأله خزر؟»، ایگبال آ. گولیف، گلشن زینالوا (۲۰۱۹) «وضعیت حقوقی دریای خزر: چالش‌های جدید برای سیاست انرژی و دیپلماسی»، صدیقه زارعی و هنینگ جسن (۲۰۲۲) «هنجارها و اصول قابل اجرا در حقوق بین‌الملل تحدید حدود دریای خزر چیست؟» است و نوشتارهای فارسی نیز شامل: کیانی و بیرانوند (۱۳۹۷) «شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران با جمهوری آذربایجان»، دهقانی (۱۳۹۵) «بررسی ابعاد مختلف رژیم حقوقی حاکم بر منابع مشترک نفت

و گاز»، کنشلو و همکاران (۱۴۰۱) «تحلیل و بررسی جایگاه ژئوپلیتیک ایران در طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر در راستای تأثیر آن بر توسعه ژئواکونومیک آسیای میانه و قفقاز»، است. نوشتارهایی که از آن‌ها نام برده شد، اصولاً واگرایی و همگرایی و اختلافات رژیم حقوقی را به‌طور کلی مورد بررسی قرار داده‌اند. نوآوری مقاله حاضر از این نظر می‌باشد که اختلافات ایران و آذربایجان را به‌طور اخص در حوزه دریای خزر مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲ چارچوب نظری

تحدید حدود دریایی

نظام حقوقی دریاها و آبراه‌های بین‌المللی، مجموعه اصول و قواعدی است که بر روابط میان تابعان حقوق بین‌الملل در بخش‌های مختلف دریا شامل آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه اقتصادی انحصاری، دریای آزاد، اعماق دریاها و نیز دیگر آبراه‌های بین‌المللی مانند رودخانه‌ها، تنگه‌ها و کانال‌های بین‌المللی، حاکم است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۶: ۲۸۸) و بر پایه آن حدود مالکیت کشورهای پیرامون دریا یا آبراه بر منابع سطح، بستر و زیر بستر آن تعیین می‌شود (صوفی، ۱۳۹۶: ۲۷۳). از آنجاکه تحدید حدود به‌عنوان مرزهای سرزمینی حیاتی هستند و همچنین نشانگرهای اولیه اعتبار و خاتمه عملکرد حاکمیت یک کشور و نشانگرهای اولیه عملکرد حاکمیتی سایر کشورها می‌باشند، در نتیجه، مقررات منطقه مرزی باید وجود داشته باشد و اگر بخواهد مشکلی ایجاد نکند، باید به‌خوبی اجرا گردد (mareto, 2022: 5). به عبارتی تحدید حدود فرآیندی است که قصد دارد کشورهایی را که مناطق دریایی آن‌ها با یکدیگر همسایه است، جدا کند و شامل دو وضعیت اساسی است: تحدید حدود مناطق دریایی بین کشورهای مجاور یا مقابل. مهم است که بدانیم مفهوم تحدید حدود، حداقل در حقوق بین‌الملل دریاها، از مفهوم منطقه‌بندی دریایی – فرآیند ایجاد مناطق دریایی و حدود آن‌ها – جدایی‌ناپذیر است (Karataeva, 2020: 237). نکته مهم این است که رژیم حقوقی دریاها، تابع قواعد حقوق بین‌الملل دریاچه‌ها نیست و نیاز است کشورهای پیرامون با توافق حاصله بین خود اختلافات را حل نمایند (شریعت باقری و جهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). اگر خزر رسماً به عنوان "دریاچه" تعریف شود، هنجارهای حقوق عرفی بین‌المللی بر آن اعمال می‌شود و اگر به خزر وضعیت «دریا» داده شود، روابط بین کشورهای ساحلی توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها تنظیم خواهد

شد (Orazgaliyev and Araral, 2019:963). مسائل وضعیت حقوقی بین‌المللی یک بدنه آبی حکم می‌کند که یک منطقه به کدام کشور تعلق دارد، یا کدام مناطق تابع حاکمیت هیچ کشوری نیستند، مانند دریاهای آزاد. این مسائل از مسأله مالکیت جدایی‌ناپذیر است. همچنین رژیم‌های حاکم بر فعالیت‌های مختلف، مانند حفاظت از محیط زیست و استفاده از منابع، از جمله شیلات، نیز با وضعیت قانونی یک بدنه آبی تعیین می‌شود (Janusz, 2005). مسأله مهم در مورد بحث رژیم حقوقی دریای خزر، این است که این پدیده جغرافیایی یک دریاچه است؛ نه یک دریای باز یا آزاد تا مشمول کنوانسیون‌های بین‌المللی شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۶۳). موافقت‌نامه مودت ۱۹۲۱ و موافقت‌نامه کشتیرانی ۱۹۴۰ تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ اساس حقوقی روابط دو کشور را در دریای خزر تشکیل می‌دادند (کرم‌زاده و قشلاقی نیگجه، ۱۳۹۹: ۱۱۳)، اما پس از فروپاشی شوروی با ظهور سه کشور مدعی دیگر در این منطقه، نظام حقوقی دریای خزر تغییر کرد و در مجموع دو دیدگاه در مورد تحدید حدود در دریای خزر ابراز شده است: قانون کاندومینیوم یا حاکمیت مشترک و استفاده مشترک از دریا و منابع طبیعی آن برای همه کشورها؛ دوم رژیم حقوقی افراز یا تقسیم و تحدید حدود دریا به منظور اعمال حقوق حاکم بر منابع بستر و زیر بستر برای هر کشور به صورت انحصاری (ناظمی، ۱۳۸۰-۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۱). همچنین تاکنون چندین روش برای تقسیم و تعیین تحدید حدود پیشنهاد شده از جمله استفاده از خط مبدأ مستقیم، استفاده از خط مبدأ عادی، استفاده از مدل‌های ریاضی و آماری، روش رگرسیون مربعات، روش پلی گون محدب، تقسیم بر اساس سطح تراز کرونشانت (حسینی، ۱۴۰۲: ۵۸-۴۷). همه این روش‌ها به گونه‌ای بوده که تعدادی از کشورها با جدیت مدافع آن و برخی به شدت با آن مخالفت کرده‌اند. این موضوع اختلافات راهبردی را افزایش داده و رسیدن به توافق بین پنج کشور را پیچیده‌تر کرده است؛ زیرا هریک از کشورها قطعاً مدافع روشی هستند که بیشتری سهم را نصیب آن‌ها می‌کند.

موضوع مهم دیگر این است که منابع طبیعی ارزنده‌ای در این دریا قرار دارد و بدون تحدید حدود مناطق دریایی، کشورهای ساحلی قادر به بهره‌برداری صلح‌آمیز از منابع نخواهند بود و این موضوع باعث می‌شود که دولت‌ها بحران‌هایی را تجربه نمایند که ثبات ملی و سیاسی‌شان را با مخاطره مواجه سازد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۰). بنابراین ضرورت و از آنجاکه تحدید حدود مناطق دریایی یک الزام مهم برای روابط مسالمت‌آمیز بین کشورهای همسایه است و بر صلح و امنیت بین‌المللی نیز تأثیر

می‌گذارد؛ این نوشتار سعی دارد تا با استفاده از مفهوم تحدید حدود دریایی به اختلافاتی بپردازد که از منبر راهبردی بین ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی به وجود آمده است.

۳ پیشینه تاریخی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای جدا شده از آن، با توجه به تغییر اوضاع معتقد بودند قرارداد منعقد بین ایران و شوروی که قبل از ۱۹۹۱ در مورد رژیم دریای خزر منعقد شده بود دیگر واقعیت ژئوپلیتیک کنونی منطقه خزر را منعکس نمی‌کند. از آن زمان هر کشوری بدون توجه به قراردادهای پیشین تلاش می‌کند تا حد از منابع این دریا بدون تحریک آشکار درگیری‌های منطقه‌ای استفاده نماید (Karataeva, 2020: 236-239).

یکی از کشورهایی مدعی در این زمینه که موضوع پژوهش پیش‌رو می‌باشد، جمهوری آذربایجان است. این کشور در آسیای مرکزی قرار دارد و موقعیت آن به گونه‌ای است که می‌تواند شرق را به غرب متصل کند. موقعیت مناسب این کشور در حمل و نقل کالا و انرژی به‌خصوص تأمین انرژی اروپا نیز اهمیت دارد (Kuchins, 2009). از طرفی ایران در قسمت جنوبی خزر قرار دارد که آب در آن‌جا دارای عمق زیادی است و تعیین نشدن رژیم حقوقی دریای خزر باعث مشکلات عدیده‌ای برای این کشور شده است. برای مثال ایران به دلیل مشخص نشدن حدود دریایی نتوانسته از منابع زیرزمینی این حوزه مانند دیگر کشورها استفاده نماید و عمق زیاد در سمت ایران باعث شده هزینه بهره‌برداری برای آن به‌صرفه نباشد. همچنین باید گفت ایران از نظر موقعیت ترانزیتی در انتقال نفت و گاز دارای کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین راه‌ها است که به دلایل سیاسی از آن دوری شده است. چنین موقعیت‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با وجود ارتباط دریایی این کشورها نیز دارد، موجب شده هر کدام از دو کشور در تقسیم و تحدید حدود دریایی سهمی بیشتر را برای خود خواهان باشند. برای برطرف کردن مسائل، اجلاس‌های مختلفی صورت گرفته است. در تمام این اجلاس‌ها نیز ایران و جمهوری آذربایجان همچون دیگر کشورها گاهی به موضع موافق و اکثراً دیدگاهی متفاوت به تقسیم حدود دریایی داشته‌اند.

ایران به طور جدی ابتدا بر مشاع بودن دریا بین ایران و روسیه تأکید داشته و همین سنگ بنای اصلی اختلافات دو کشور را رقم زده است. اولین اجلاس سران پنج کشور دریای خزر در آوریل ۲۰۰۲ در عشق‌آباد ترکمنستان برگزار شد. این جلسه هیچ نتیجه قابل توجهی نداشت. اولین موفقیت بزرگ در

سال ۲۰۰۷ در دومین اجلاس سران خزر در تهران به دست آمد. در پایتخت ایران، طرفین موفق شدند بر سر اعلامیه‌ای مشتمل بر ۲۵ ماده به توافق برسند. نتایج این اجلاس برای امنیت فدراسیون روسیه و ایران اهمیت راهبردی داشت؛ زیرا این اعلامیه مانع ایجاد پایگاه نظامی کشور ثالث و عملیات نظامی در دریای خزر بود. همچنین در ۲۰۱۰ در باکو، طرفین قراردادی را در مورد جرایم فرامرزی امضا کردند که شامل موضوعات مربوط به قاچاق، شکار غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر بود. چهار سال بعد، در آستاراخان، پنج کشور پیرامون دریای خزر (ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) با ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی به وسعت ۲۵ مایل مربع، مشروط به حق حاکمیت انحصاری، موافقت کردند که بر اساس آن بقیه سطح دریا برای کشتیرانی و ماهی‌گیری مورد استفاده معمول است. در نتیجه تمامی این اعلامیه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و بیانیه‌های رسمی به‌عنوان بخش‌ها و مواد کنوانسیون نهایی گنجانده شد (Pritchett, 2019: 4). در نهایت، پنج کشور ساحلی کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر را در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ امضا کردند. این قرارداد برای همه کشورهای ساحلی دریای خزر در «آب‌های سرزمینی» و «بخش‌های بستر و زیرزمینی» خود، حقوق حاکمیتی منحصربه‌فردی ایجاد کرد. علاوه بر این، آزادی‌های گسترده‌ای برای استفاده از دریای خزر توسط پنج طرف به ارمغان آورد و موافقت شد کشورهای ثالث به این پهنه حق دسترسی نداشته باشند. با این حال، برخی از مسائل هنوز باید توسط توافقات دوجانبه یا چندجانبه آینده تصمیم‌گیری شود (Müller and Betanelli, 2018).

۴ اختلافات ایران و جمهوری آذربایجان در دریای خزر

در اختلافات بین ایران و جمهوری آذربایجان در دریای خزر چند موضوع و نگرش مطرح می‌باشد که در عین حال با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. در زیر به این موضوعات پرداخته شده و نوع نگرش هر یک از این دو کشور نسبت به این مسائل بیان می‌گردد.

۴-۱ نوع نگرش به دریا یا دریاچه بودن خزر

از نظر حقوقی اصل اساسی طبقه‌بندی یک مخزن به عنوان «دریا» یا «دریاچه» در کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، این است که این مخزن به اقیانوس جهانی متصل باشد. بر اساس این، اگر مخزنی به اقیانوس جهانی متصل شود، متعلق به دریای آزاد است. دریای نیمه محصور بدنه آبی است که از طریق دریاهای دیگر با اقیانوس جهانی ارتباط برقرار می‌کند. همچنین دریای بسته مجموعه‌ای آبی است

که از طریق یک گذرگاه باریک طبیعی به اقیانوس جهانی متصل می‌شود (Livejournal, 2020). اگر دریای خزر مانند دریاهای بالتیک، سیاه یا مدیترانه به‌عنوان دریاهای محصور یا نیمه محصور طبقه‌بندی می‌شد، رژیم حاکم بر آن اساساً بر اساس کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای^۱ است. در مقابل دریاچه‌های فرامرزی، یعنی دریاچه‌های مشترک بین چندین کشور، حدود و منابع آن‌ها، عمدتاً توسط حقوق بین‌الملل عرفی اداره می‌شوند (Karataeva, 2020: 235). به عبارتی ایجاد رژیم حقوقی دریاچه‌های مرزی (همچون خزر) در صلاحیت انحصاری خود دولت‌های ساحلی است و هیچ ضوابط حقوقی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده یا پذیرفته‌شده‌ای برای تقسیم دریاچه‌های مرزی وجود ندارد (zainullina, 2020:36-37).

دیدگاه جمهوری آذربایجان این بود که خزر «دریاچه مرزی» است، یعنی تقسیم آب‌های خزر و بستر دریا به پنج بخش ملی بر اساس خط نصف النهار که در آن کشور ساحلی در هر سرزمین دارای اختیارات انحصاری است و می‌تواند انواع فعالیت‌ها را انجام دهد (Ogan, 2001: 39). جمهوری آذربایجان که در ابتدا ادعا می‌کرد دریای خزر «دریاچه مرزی» است، بعدتر مدعی شد دریای خزر دریاچه‌ای بین‌المللی یا فرامرزی است (karataeva, 220:247). این مورد حتی در قانون اساسی جدید ۱۹۹۵ جمهوری آذربایجان نیز گنجانده شده است. بر اساس این نگرش، این پهنه آبی را می‌توان به بخش‌های ملی تقسیم کرد و بر اساس آن، این کشور حاکمیت کامل بر بستر دریا و زیر خاک، فضای آبی و فضای هوایی و همه منابع طبیعی و معدنی موجود در این بخش معتقد است. این ماده قانون اساسی البته اندازه بخش یا حدود آن را مشخص نکرده است (Karataeva, 2020: 247). به‌طورکل هدف این کشور از پیگیری هر دیدگاه در مورد وضعیت دریا مربوط به منافع نفتی موجود در این پهنه است. به‌خصوص که اولین کشوری در منطقه بود که با شرکت‌های نفتی خارجی قرارداد بسته بود (Amirbek, 2015: 30-32).

اما ایران در مقابل نظر دیگری دارد. ایران خزر را به‌عنوان دریاچه در نظر می‌گیرد. با این استدلال که اگر این دریا بود، بایستی با آب‌های اقیانوس از نظر سطح آب هیچ اختلافی نداشت؛ درحالی‌که آب خزر ۲۴ متر پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد است و به خاطر بزرگی این دریاچه است که در اصطلاح به آن دریا می‌گویند (اطاعت و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

اگر بخواهیم این مورد را در اجلاس‌های سران مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم که در نهایت در خلال مذاکرات تعیین نظام حقوقی دریای خزر، به‌خصوص در اجلاس آلمانی از آن به عنوان دریاچه یاد شده است و عملکرد کشورها در کنوانسیون ۲۰۱۸ نیز نشان داد همه کشورها آن را به‌عنوان دریاچه می‌شناسند. در این کنوانسیون همچنین ۱۵ مایل دریایی (حدود ۲۸ کیلومتر) نیز به‌عنوان دریای سرزمینی تعیین شده که این موضوع برخلاف اصل حقوقی دریاهای آزاد است. در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای ۱۲ مایل را برای دریای آزاد تعیین کردند. در دریای خزر نیز در نهایت کشورها توافق کرده‌اند که ۱۵ مایل را به عنوان عرض دریای سرزمینی مشخص کنند (ساداتیان، ۱۳۹۸: ۳۳۲). به هر روی دیدگاه نگاه به دریاچه را می‌توان دیدگاهی غالب در کنوانسیون‌هایی دید که تا به امروز به قوت خود باقیست.

۲-۴ نگرش به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰

از آنجایی که جمهوری آذربایجان به قراردادهای منعقد شده بین ایران و روسیه یعنی قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اعتقادی ندارد، نگرشی نو در این موضوع ارائه داده است. این دو قرارداد معتقد به تقسیم مشاع این پهنه بین روسیه و ایران بوده است. ایران از ابتدا همواره تأکید داشته است که این دریاچه و مسائل آن باید بر اساس قوانین منعقد در عهدنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اداره گردد و جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان موضوع جانشینی را مطرح و به قاعده لوح مطهر استناد می‌کنند قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را قابل انتقال نمی‌دانند که ایران آن را قبول ندارد. زیرا قاعده لوح مطهر مربوط به جانشینی کشورهای تازه استقلال یافته است که قبلاً مورد استعمار بودند و در مورد کسورهای جدا شده از شوروی صدق نمی‌کند. ادعای دیگر جمهوری آذربایجان این است که با فروپاشی اتحاد شوروی، مخصوصاً با استناد به قاعده ربوس^۱، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اعتبار خود را از دست داده‌اند و فاقد موضوعیت هستند. درحالی‌که قاعده ربوس به تغییر اوضاع و احوال اشاره دارد، اما قوانین خاصی دارد و حتی در صورت چنین ادعایی ایران که در به وجود آمدن این اوضاع نقشی نداشته بر اساس مفاد حقوقی، نباید متضرر شود و بایستی حقوقش حفظ شود؛ زیرا ایران در به وجود آمدن این اوضاع نقشی نداشته است (ضیائی بیگلری، ۱۳۸۸: ۲۷۱).

^۱ قاعده ربوس: حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین در این مورد وضیح داده است. هرگاه اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده‌ای در طول زمان و در حین اجرای آن دچار تغییر بنیادین و اساسی شود طرفی که تغییر برایش حادث شده است می‌تواند برای اختتام یا تعلیق اجرای معاهده به آن استناد کند.

۳-۴ تقسیم و روش‌های تحدید حدود دریایی

موضوع تقسیم و تعیین خط شروع دریای خزر برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ مطرح شد و این وظیفه توسط وزارت صنعت نفت اتحاد جماهیر شوروی انجام گرفت. بر اساس این تقسیم‌بندی دریای خزر به بخش‌های روسیه، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و ایران تقسیم می‌شد و اصل خط وسط که متعاقب وضعیت حقوقی و جغرافیایی دریای خزر و مورد تأیید رویه حقوقی بین‌المللی بود، مبنای تقسیم قرار گرفت (Makili-Aliyev, 2013). بعد از فروپاشی شوروی بحث‌های مربوط به وضعیت حقوقی دریای خزر در نشست‌های دوجانبه و چندجانبه کشورهای خزر در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد. ایران و جمهوری آذربایجان بر اساس ادعاهای حقوقی و نوع نگاهی که به این پهنه داشته‌اند، روش‌های متفاوتی را برای تقسیم آن ارائه داده‌اند و می‌توان آن را مهم‌ترین عامل اختلافات راهبردی و مرزی دو کشور دانست.

نگرش جمهوری آذربایجان به قزاقستان نزدیک است و بدین منظور به انعقاد موافقت‌نامه میان خود در مورد تحدید حدود مرزی بستر و زیر بستر در دریای خزر اقدام نموده‌اند. اما روسیه اعتقاد به تقسیم دریا فقط در بستر و برای بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر دارد؛ درحالی‌که آذربایجان آن را بخش ملی می‌داند. به دلیل مخالفت سایر کشورها جمهوری آذربایجان تا حدودی خواسته خود را تعدیل کرده است و اکنون مسأله تقسیم را تنها برای بستر مطرح می‌سازد (ساداتیان، ۱۳۹۸: ۳۳۵). بر این اساس، جمهوری آذربایجان فرض می‌کند که وضعیت دریای آزاد را می‌توان برای دریای خزر اعمال کرد. اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، هر ایالت ساحلی دارای ۱۲ مایل آب‌های سرزمینی، ۲۰۰ مایل یا بیشتر فلات قاره و ۲۰۰ مایل منطقه اقتصادی انحصاری خواهد بود (Gavashelishvili, 2020:295). جمهوری آذربایجان ادعا می‌کند اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۷۰ م منطقه بالای خط فرضی آستارا-حسینقلی خان را بین جمهوری‌های حاشیه دریای خزر تقسیم کرده است. بنابراین در عین اینکه به تقسیم کلی دریا معتقد است، همچنین برای آن قلمرو هوایی نیز در نظر گرفته است. با این دیدگاه نسبت به دریای خزر، این کشور معتقد است هر کشور سهم خودش را از یک منطقه امتداد ساحل تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) به دست خواهد آورد (یاکوشیک و فرزین نیا، ۱۳۷۷: ۲۶). اما ایران از ابتدا بر تقسیم ۵۰-۵۰ بر اساس قراردادهای ۱۹۴۰ بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران استناد و ادعا داشت دریای خزر برای استفاده دو کشور شوروی و ایران با حقوق مساوی در نظر گرفته شده است و

تنها سهم مربوط به اتحاد شوروی می‌تواند بین وارثان یعنی کشورهای جدا شده از تقسیم گردد و نباید سهم ایران را به آن‌ها داد (ساداتیان، ۱۳۹۸: ۳۲۰). در نهایت ایران در اواخر دهه ۹۰ تقسیم بر اساس اصل حد ۲۰ مایلی یا تقسیم دریا به مناطق ملی را پیشنهاد کرد (Behzadi, 2010: 89). در نهایت ایران مجبور شد تا تعیین شدن رژیم حقوقی جدید، محدوده ۲۰ درصدی را برای خود تعیین و اعلام کرد به کشوری اجازه بهره‌برداری از منابع آن را نمی‌دهد (تیزتک و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۱). خاتمی رئیس جمهور وقت ایران در تابستان ۲۰۰۰، گفت: «ایران انتظار ندارد کم‌تر از ۲۰ درصد از دریای خزر جدا شود. اگر جداسازی انجام شود، بستر دریا و سطح آب باید به‌طور مساوی تقسیم گردد» (Franckx, 2001: 34). موضع سایر کشورها نیز مانند جمهوری آذربایجان مخالفت با این ادعای ایران بود. در پاسخ به اظهارات طرف ایرانی، قزاقستان و ترکمنستان پیشنهاد کردند که بر اساس قوانین بین‌المللی دریاهای تعیین آب‌های سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی عمل کنند و بر این اساس جمهوری آذربایجان آن را دریاچه تعریف کرد (zainullina, 2020:40). این دیدگاه نشان می‌دهد هر نوع نگرش این کشور در مورد دریای خزر بیانگر نگرانی رهبری آن در ایجاد مطمئن‌ترین تضمین‌های قانونی برای توسعه منابع انرژی فراساحلی است؛ زیرا از دهه ۱۹۶۰، بیش از نیمی از نفت جمهوری از میدان فراساحلی استخراج می‌شد و ذخایر اصلی نفت نیز در بستر دریا متمرکز بود (zainullina, 2020:40). این مسأله در اجلاس‌های مختلف همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ اما هیچ‌گاه به نتیجه کامل و جامعی نرسیده است.

در کنار مسائل مربوط به تعیین رژیم حقوقی، استخراج منابع نفت، کشتی‌رانی و ماهی‌گیری، می‌توان به اهمیت شکل سواحل و عمق آب نیز اشاره کرد که اختلافات راهبردی بین دو کشور را عمیق‌تر کرده است. برای مثال کشور جمهوری آذربایجان با ساحل محدب خود که در اثر پیشرفتگی شبه جزیره آبشوران به وجود آمده، طرفدار تقسیم دریا بر اساس خط منصف است. چون با این روش می‌تواند بخش قابل توجهی را از بستر دریا جزء منطقه انحصاری اقتصادی خود درآورد. درحالی‌که کشور ایران برعکس به دلیل داشتن ساحل مقعر شکل، در صورت تقسیم بستر دریا بر اساس خط منصف متضرر خواهد شد (میرحیدر، ۱۴۰۰: ۱۵). ماده یک کنوانسیون اکثائو ۲۰۱۸ پیش‌بینی نمود که شیوه ترسیم خط مبدأ مستقیم به موجب یک توافق جداگانه میان اعضا تعیین خواهد شد. به‌علاوه، اگر موقعیت سواحل یک دولت، آن را در وضعیت نامساعدی از حیث تعیین آب‌های داخلی اش قرار می‌دهد، دولت ذی‌ربط

می‌تواند این اجازه را داشته باشد تا برای ترسیم خطوط مبدأ، مستقیم برای متصل کردن نقاط مناسب یا ذی‌ربط ساحل خود از خطوط مبدأیی بیش از اندازه طولی خطوط مبدأ دیگر دولت‌ها استفاده کند. ایران پس از امضای کنوانسیون آکتائو بلافاصله اعلامیه‌ای صادر کرد، مبنی بر اینکه این ماده وضعیت خاص باری ساحل ایران را به وجود آورده که عملاً برای ترسیم خط مبدأ مستقیم، ایران را در وضعیت نامساعدی در مقام مقایسه با دیگر دولت‌ها قرار می‌دهد و فایده دیگری برای تحدید سطح خزر نداشته است. هیچ دولت خزری به این اعلامیه اعتراض ننموده است. بیانیۀ نهایی سران دولت‌ها نیز تصریح می‌کند با هدف تضمین اجرای مؤثر این کنوانسیون، اولویت باید به تحدید شیوۀ ترسیم خطوط مبدأ مستقیم، در دریای خزر اختصاص داده شود (ممتاز و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰).

۴-۴ مسأله انرژی

نفت، گاز و شیلات منابع مشترکی در دریا هستند و کشورها در بهره‌برداری آن رقیب هستند و در نتیجه حذف دیگران از بهره‌برداری از آن‌ها دشوار است (Araral et al., 2019). منابع نفت و گاز از جمله دارایی‌های مهم کشورها محسوب می‌شود که قواعد و قوانین بهره‌برداری از آن وقتی در قلمرو یک سرزمین باشد مشخص و مبرهن است؛ اما موضوع وقتی پیچیده می‌گردد که این منابع در مرز بین دو یا چند کشور واقع شده باشد. در این صورت قوانین بهره‌برداری از آن تابع قواعد حقوق بین‌الملل می‌گردد.

مسائل مربوط به انرژی بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. ابتدا مقدار منابع انرژی و میادین مشترک مورد اختلاف بین دو کشور ایران و آذربایجان. دوم اختلاف بر سر مسیرهای انتقال انرژی.

براساس برآوردهای موجود سازمان بین‌المللی انرژی، گفته می‌شود منابع مهم نفت در بخش شمالی خزر و منابع مهم گاز در بخش جنوبی آن قرار دارد. اما مشکلات در اکتشاف و همچنین عمق زیاد آب در بخش جنوب، امکان اکتشاف و بهره‌برداری سخت کرده‌اند (Blank, 2018). کشورهای واقع در شمال خزر توانستند اختلافات خود را در این مورد حل نمایند و برای کشف و توسعه مشترک منابع خود همکاری کنند. در مقابل، این موضوع برای همسایگان جنوب خزر صادق نیست.

ذخایر اثبات شده نفت و گاز ایران در دریای خزر نسبت به خلیج فارس و نواحی جنوبی قابل توجه نیست. به‌طوری‌که ذخایر نفت ایران در بلوک‌های اکتشافی ۱۵ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی گاز

ایران ۱۱ میلیارد فوت مکعب است. برخی پیش‌بینی‌ها نیز از وجود بیش از ۳۲ میلیارد بشکه نفت در حوزه ایرانی خزر حکایت می‌کند (مجتهدزاده و رشیدی نژاد، ۱۳۹۰، کنشلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۵۲-۸۵۱). کارشناسان نفت، ذخایر نفت اثبات شده جمهوری آذربایجان را ۱۳ میلیارد بشکه تخمین می‌زنند. دولت آذربایجان این رقم را ۱۷,۷ میلیارد بشکه اعلام کرده است. ذخایر قطعی گاز طبیعی جمهوری آذربایجان نیز ۱,۳۱ تریلیون متر مکعب یا ۰,۷ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان است (Masimova, 2021: 114). برجسته‌ترین اختلاف راهبردی بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در مورد بلوک‌های هیدروکربن در میدان البرز است که در آذربایجان به ناحیه آراز و شارگ، آلوو مشهور است و مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع، حدود ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز را در خود دارد، البته جمهوری آذربایجان این میدان را کنترل می‌کند. ایران میدان آلوو را که در جنوب شرقی باکو قرار دارد، بخشی از سرزمین آبی خود می‌داند (پوراحمدی میبدی و یدین، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

از نظر حقوقی نیز باید گفت منابع نفت و گاز اصولاً در قسمت فلات قرار دارد. در ماده ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاهای مصوب ۱۹۸۲ که به تحدید حدود فلات قاره می‌پردازد، به تأثیر وجود منابع مشترک نفت و گاز اشاره‌ای نکرده است و آن را بر عهده ترتیبات توافقی کشورها گذاشته است (دهقانی، ۱۳۹۵: ۶۹). در سال ۱۹۷۰ وزیر صنایع نفت اتحاد جماهیر شوروی بخش متعلق به شوروی را در دریای خزر بین جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان تقسیم کرد. اگرچه در این تقسیم‌بندی مرز رسمی کشیده نشد، اما در عمل عملیات‌های نفتی شرکت‌های نفتی، اساس کار قرار گرفت و هیچ کشور ساحلی با چنین تقسیم‌بندی مخالفتی نداشت. این تقسیم‌بندی بر اساس خط میانه^۱ صورت گرفت (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۲). استخراج و بهره‌برداری نفت کف دریا نیز در قرن ۲۰ شروع و اولین بار نیز حوزه نفتی نفتان کامنی در نواحی کم‌عمق نزدیک به ساحل باکو در ۱۹۲۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت و صنایع نفت آذربایجان نیز در این زمان توسعه یافت، درحالی‌که تحدید حقوقی از جانب ایران و روسیه صورت نمی‌گرفت. بهره‌برداری از ذخایر زیر بستر باکو تا ۱۹۸۰ ادامه داشت و از ۱۹۸۷ شاهد سرمایه‌گذاری صنایع غربی در حوزه آذری بوده‌ایم. بعد از فروپاشی نیز این خط میانه با فاصله مساوی از نزدیک‌ترین نقاط دو ساحل گفته می‌شود که در رفع همپوشانی دریای سرزمینی با کشورهای ساحلی مقابل کاربرد ویژه‌ای دارد. این رویه در تحدید حدود دریای سرزمینی با کشورهای مجاور استحکام کم‌تری دارد.

همکاری‌ها ادامه پیدا کرد. البته سکوت ایران در این زمان نیز امر مهمی است (ناظمی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۲۹۵-۲۹۳). در آن زمان هنوز اهمیت موضوع انرژی خزر برای همه مشخص نشده بود. اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اوضاع تغییر کرد.

از اوایل دهه ۲۰۰۰، روسیه به جای اینکه به مخالفت بیشتر با کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان بپردازد که در ایده رژیم حقوقی نگرشی دیگر داشتند، سعی نمود با این دو کشور وارد همکاری شود و به حل مشکلات بپردازد. زیرا از قراردادهای نفتی که کشورهای آذربایجان و قزاقستان با کشورهای غربی بسته بودند بیمناک شده و سعی داشت تنش در منطقه را رفع نماید (تیزتک و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۰۸-۱۰۷). اما حساسیت بین ایران و جمهوری آذربایجان همچنان در این دوران در اوج خود بود. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۴ قراردادی به ارزش ۸ میلیارد دلار با سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه بزرگ‌ترین منابع در آذری-چراغ-گونشلی منعقد کرد. این قرارداد که به «قرارداد قرن» معروف است، سرمایه‌گذاری مشترک آلوک^۱ را با شرکای کلیدی به نمایندگی از شرکت ملی نفت آذربایجان (سوکار)^۲ و شرکت بریتانیایی بی. پی تشکیل داد. اگرچه شرکت نفت روسیه، لوک‌ویل^۳ نیز یکی از اعضای آلوک بود، اما وزارت امور خارجه روسیه از تصمیم یک‌جانبه جمهوری آذربایجان برای آغاز عملیات نفتی در خزر ابراز نارضایتی کرد (Orazgaliyev and Araral, 2019: 968). در ۱۹۹۸ نیز آذربایجان موافقت‌نامه‌هایی با شرکت‌های نفتی در حوزه البرز صورت داد، اما ایران اعتراضی نکرد تا اینکه در سال ۲۰۰۱ مقامات ایرانی نسبت به آن ادعای مالکیت کردند و مواضع محکمی را دنبال نمود (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۵). از طرف دیگر جمهوری آذربایجان نیز شروع به حساسیت نسبت به ایران کرد. در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ ایران با کمپانی‌های نفتی غربی (شامل کمپانی انگلیسی و هلندی شل لاسمو^۴ و شرکت آلمانی وبا^۵) قراردادهایی را بست. این فعالیت‌های اکتشافی و زمین‌شناسی در بخش جنوبی دریای خزر انجام گرفت که این عمل موجب اعتراض جمهوری آذربایجان از ایران شد. ایران این اعتراض را رد کرد و اظهار نمود این فعالیت‌های اقتصادی به کشورهای جدید التاسیس مربوط نمی‌باشد (ناظمی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۳۰۶). به دنبال این موضوع در سال ۲۰۰۱، زمانی که کشتی مسلح ایران،

1 AIOC

2 State Oil

3 Lukoil

4 Shell Lasmo

5 Webba

سکوه‌های اکتشاف نفت آذربایجان را که توسط بی. پی اداره می‌شد، از منطقه مورد مناقشه دور کرد، تنش بالا گرفت (Lee, 2005). پس از آن، ایران هواپیماهای نظامی را به مناطق مورد مناقشه نزدیک به سواحل جمهوری آذربایجان فرستاد. با تشدید درگیری، بازیگران ژئوپلیتیک مانند ترکیه و ایالات متحده بلافاصله واکنش نشان دادند و حتی روسیه به جانب‌داری از جمهوری آذربایجان پرداخت (Granmayeh, 2004). در نهایت از تشدید بیشتر درگیری با جمهوری آذربایجان که عملیات نفتی را خاتمه داد، جلوگیری شد.

جمهوری آذربایجان می‌گوید از ۱۹۵۶ از منابع فلات قاره استفاده کرده و کشوری اعتراض ننمود. اما حقوق‌دانان بسیاری به چند دلیل این استدلال را رد می‌کنند. اول اینکه قاعدهٔ ربوس مربوط به معاهدات مرزی است؛ نه معاهدات مربوط به حاکمیت سرزمینی. دوم اینکه آذربایجان خود اعلام کرده که معاهدات ایران و روسیه قابل قبول است. سوم اینکه الگوی پیشنهادی آذربایجان برای تقسیم باعث بهره‌برداری کشورهای ساحلی یک دریای مشترک از سهم‌های متفاوت می‌گردد. چهارم مربوط به عدم توجه به منابع نفت فلات قاره است که در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ این موضوع مطرح نبود و قراردادهای تا سال ۱۹۴۵ به آن اشاره‌ای نداشتند و در نتیجه اطلاق رژیم حقوقی حاکم بر معاهدات ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ ناظر به تمام جنبه‌ها است (باوند، ۱۳۷۳: ۲۴؛ شریعت باقری و جهانی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

در یک بررسی حقوقی باید گفت در غیاب موافقت‌نامهٔ دوجانبه برای بهره‌برداری از این منابع، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دولت‌ها را ملزم می‌کند تا تدابیر توافقی با یکدیگر همکاری نمایند و از سوی دیگر اقدامات یکجانبه‌ای که منجر به تغییر دائم در محیط می‌شود، همانند استخراج نفت و گاز مغایر با مقررات کنوانسیون مذکور می‌باشد. اما صرف اقداماتی مانند مطالعات اکتشافی واجد این خصیصه نمی‌باشد (جهانی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در کنوانسیون ۲۰۱۸ طبق بند ۱ مادهٔ ۱۳ این کنوانسیون، هر کشوری می‌تواند در بخش مربوط به خود به همکاری‌های علمی در دریای خزر و تحقیقات مربوط به منابع زنده در منطقه ماهی‌گیری خود و اکتشافات منابع بستر و زیر بستر پردازد (تیزتک و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴). در صورت توافق دولت‌های همسایه در تحدید حدود دریایی، احتمالاً تکلیف آن دسته از میادین نفت و گاز که از خط مرزی گذشته و در محدودهٔ حاکمیت هر دو طرف قرار دارند، در قالب موافقت‌نامهٔ تحدید حدود یا موافقت‌نامه‌های خاص روشن می‌شود اما در صورت مشخص نبودن آن کار پیچیده می‌گردد (جهانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). بنابراین لازم است تا ایران و جمهوری آذربایجان نیز با

پذیرش مفاد کنوانسیون اختلافات و حساسیت‌ها را کم نمایند و همچنین با ایجاد روش مناسب در تقسیم‌بندی منابع بستر دریا به بهره‌برداری عادلانه از انرژی فسیلی بپردازند.

در این میان جمهوری آذربایجان همچنان در حال انجام قراردادهای بیشتر با شرکت‌های غربی می‌باشد و با همسایه دیگر خود یعنی ترکمنستان نیز شروع به همکاری و رفع مشکلات کرده است. پس از «قرارداد قرن» که در ۲۰۱۷ بسته شد و بر اساس آن، بریتیش پترولیوم تا ۳۲ سال دیگر اپراتور تولید نفت آذربایجان خواهد بود، ۲۶ قرارداد جدید نفتی دیگر نیز با ۳۶ شرکت پیشرو از ۱۶ کشور جهان امضا شد و در ۲۰۲۰ بهره‌برداری از یکی از مهم‌ترین آن‌ها یعنی ترانس خزر انجام گرفت (Masimova, 2021:114).

در خصوص پروژه‌های انرژی و امنیت انرژی خزر، کنوانسیون ۲۰۱۸ راه را به روی پروژه‌های انرژی که به دلیل ابهام در وضعیت خزر اجرا نمی‌شود، باز کرد. کنوانسیون تصریح کرد که یک مسیر خط لوله فقط نیازمند توافق بین کشورهای است که خط لوله از آن‌ها عبور می‌کند (Kasim, 2021: 951). در این راستا جمهوری آذربایجان در ۲۰۲۱ اختلافات خود را در میدین نفتی با ترکمنستان حل نموده است (Pannier, 2021). اما ایران به دلیل حساسیت‌های طرف‌های غربی و همچنین اختلافات به‌خصوص با جمهوری آذربایجان هنوز نتوانسته است از این مسیرها سودآوری داشته باشد. خط لوله باکو-تفلیس-جیهان که برای به انزوا کشیدن ایران پیشنهاد شده، مورد حمایت آمریکا است، در سال‌های اخیر به دلیل بحران‌های قره‌باغ دچار ضررهای یک میلیارد دلاری شده است. وضعیت پیش‌آمده فرصت بزرگی پیش روی بخش انرژی ایران قرار داده است که در صورت اجرایی شدن می‌توان از گنجایش خطوط نکا-ری (برای سوپ نفت در جنوب) و نیز خط انتقال گاز ناباکو از مسیر ترکمنستان-ایران و ترکیه و نیز خط انتقال گاز قزاقستان، ترکمنستان استفاده کرد (کنشلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷۵).

۵-۴ ساخت جزایر مصنوعی

کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ دریای سرزمینی و منطقه مجاور و کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گویی جامائیکا در مورد جزیره‌های مصنوعی این شرط را گذاشته‌اند که دولت‌های سازنده جزایر مصنوعی باید حقوق همسایگان هم‌جوار و حفظ محیط زیست، منابع زنده و غیر زنده موجود در بستر و زیر بستر دریاهای را رعایت کنند و دولت‌های تأسیس‌کننده این جزایر نمی‌توانند برای جزایر مصنوعی، خط مبدأ و مناطق دریایی در نظر بگیرند. آن‌ها فقط مجاز هستند که مناطق امن با شعاع ۵۰۰ متر برای آن‌ها ایجاد کنند.

دولت‌های کرانه خزر طبق ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاهای مسؤل بوده‌اند (خدادادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۳). جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر با احداث ۴۱ جزیره مصنوعی با عنوان «کاسپین» در دریای خزر در شهر باکو، پایتخت این کشور، گام‌های بلندی در زمینه جذب توریست در منطقه برداشته است. این موضوعی است که اعتراض ایران را نیز در پی داشته است. البته این عمل توسط ترکمنستان نیز صورت گرفته است. هرچند در سال‌های اخیر اعتراضاتی نسبت به ساخت جزایر مصنوعی در دریای خزر به عنوان یک دریای نیمه بسته از سوی برخی کشورها صورت گرفته، اما آن چه حائز اهمیت است، این می‌باشد که کشورهای سازنده جزایر مصنوعی، عزم خود را در این زمینه جزم کرده‌اند و به نظر می‌رسد زیر بار هیچ پروتکل بین‌المللی نیز نخواهد رفت. با این حال مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های گذشته با فشارهای ایران مصوبه‌ای را تصویب کرد که خشک کردن دریا و احداث جزایر مصنوعی، به‌ویژه در دریاهای نیمه‌بسته ممنوع است؛ البته این مصوبه دستوری نبوده و فقط جنبه توصیه‌ای دارد (پورعلی، ۱۳۹۷).

کنوانسیون ۲۰۱۸ رژیم حقوقی دریای خزر در مواد ۷، ۸، ۱۲ به موضوع جزایر مصنوعی پرداخته است و از کنوانسیون ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تبعیت می‌کند و ساخت جزایر را به رسمت می‌شناسد. در کنوانسیون ۱۹۸۲ جزایر مصنوعی هیچ ارتباطی به خط مبدأ و شیوه اندازه‌گیری مناطق دریایی ندارد. یعنی دولت‌های ساحلی نمی‌توانند مدعی حقوقی باشند که در کنوانسیون دریاهای مورد تأسیسات ثابت بندری از لحاظ محاسبه خط مبدأ اندازه‌گیری مناطق دریایی، پیش‌بینی شده است. بند ۲ از ماده ۷ کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر نیز می‌گوید تأسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی نباید به‌عنوان تأسیسات دائمی بندری محسوب شوند و درواقع این کنوانسیون نیز مانند کنوانسیون ۱۹۸۲ بر عدم قرار گرفتن جزایر مصنوعی به‌عنوان ساحل اشاره دارد که موجب گسترش قلمرو خاکی و ساحلی جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان می‌گردد. همچنین این کنوانسیون سکوه‌های متحرک و نیمه متحرک را نیز جزو جزیره مصنوعی محسوب می‌کند (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۹: ۵-۴).

۵ آثار منفی حل‌نشدن مسائل خزر بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان

موقعیت منحصربه‌فرد خزر که بسیاری از نقل و انتقالات انرژی به مسیر اروپا از آن انجام می‌گیرد، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مکان‌های استراتژیک در جهان تبدیل کرده‌است، بنابراین لازم است

برای حفظ امنیت و اهمیت این منطقه، ایران و جمهوری آذربایجان به توافق رسمی بر سر تحدید حدود و همچنین نوع بهره‌برداری از میادین نفتی بپردازند.

اختلاف بین کشورهای ساحلی منجر به بدتر شدن روابط دوجانبه و عدم همکاری منطقه‌ای (اقتصادی و سیاسی) می‌شود. در بدترین سناریو، اختلافات موجب نظامی‌گری در این منطقه می‌گردد. با درک اهمیت استراتژیک دریا، کشورهای ساحلی به طور قابل توجهی نیروهای دریایی خود را تقویت کردند. اگر اختلافات تشدید شود ممکن است در بدترین سناریو شاهد نظامی‌گری در این پهنه آبی شویم. همچنین آثار منفی دیگر این است که سرمایه‌گذاران خارجی با رفع نشدن مشکلات برای حضور در این منطقه دچار تردید می‌گردند و کشورهای ساحلی نمی‌توانند از مزایای اکتشاف نفت بهره ببرند. همچنین برخی از ذخایر نفتی در خزر جنوبی همچنان در انتظار توسعه هستند؛ زیرا دو یا چند طرف ادعای متقابل دارند. این میدان‌ها شامل الوو (البرز) و کیاپاز (سردار)، واقع در بین جمهوری آذربایجان، ایران و ترکمنستان است. در صورت حل و فصل مناقشه خزر، کشورهای ساحلی قادر خواهند بود از تمام پتانسیل منابع طبیعی خود، جذب سرمایه‌گذاری بیشتر و احداث خطوط لوله صادراتی جدید استفاده کنند. از آنجایی که این منطقه پتانسیل تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی در جهان را دارد، توافق بر سر وضعیت حقوقی خزر، فضای سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی را بهبود می‌بخشد. همان‌گونه که کشورهای شمالی خزر توانستند اختلافات را به همکاری تبدیل کند، لازم است این اتفاق در مورد کشورهای جنوبی خزر نیز رخ دهد (Orazgaliyev and Araral, 2019: 967). همچنین از آنجاکه جمهوری آذربایجان به دلیل وجود اختلافات روسیه و غرب بر سر اوکراین، امروزه در بهترین موقعیت مبادله انرژی قرار دارد و برای کشورهای غربی در بالاترین اهمیت در منطقه خزر است، این کشور بیشترین جذب سرمایه خارجی را برای توسعه میادین نفت و گاز در اختیار دارد. تحریم ایران نیز باعث عقب ماندگی و انزوای این کشور گردیده است. درحالی که دیگر کشورها تقریباً در اکثر موارد به تفاهم رسیده‌اند و شروع به همکاری‌های گسترده‌ای با یکدیگر کرده‌اند که هم به رونق اقتصادی آن‌ها انجامیده و هم تعاملات برون منطقه‌ای این کشورها را افزایش داده است و ایران از این قافله جا مانده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، اختلافات راهبردی بین ایران و جمهوری آذربایجان شامل اختلاف نسبت به کنوانسیون‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۱ ایران و روسیه قبل از فروپاشی، اختلاف در برداشت متفاوت دو کشور در مورد دریا و دریاچه بودن خزر، نوع رویکرد دو کشور نسبت به تقسیم و تعیین حدود دریایی و برداشت از میادین انرژی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد، جمهوری آذربایجان در زمینه روش تقسیم دریای خزر، به نوعی تنها کشور دریای خزر است که به شدت از هر نوع تقسیم این پهنه سود می‌برد؛ زیرا در هرگونه تقسیمی درصد این کشور نسبت به دیگر کشورها بیشتر است و لازم است کارشناسان ایرانی، با توجه به موقعیت منحصر به فرد کشور از منظر مواصلاتی و استراتژیک در چانه‌زنی‌های حقوقی سیاسی، در پیگیری بهترین سهم از منافع ایران تلاش نمایند. در این راه برای رفع اختلاف بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان همکاری همه‌جانبه دو کشور مهم‌ترین مورد در رفع مشکلات است. آذربایجان نیز لازم است رویکردی مناسب‌تر را در پیش گیرد تا بتواند از این فرصت و همسایگی با ایران استفاده نماید. به‌خصوص که اختلافات با روسیه همچنان این کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد و نیازمند به‌کشوری با موقعیت مناسب همچون ایران می‌باشد. هرگونه رفع اختلاف به صورت راهبردی بین دو کشور عاملی اساسی در افزایش قدرت مانور ایران و جمهوری آذربایجان در منطقه را فراهم می‌آورد. همچنین حل اختلافات حقوقی بین ایران و جمهوری آذربایجان کلید اصلی شروع همکاری‌ها و نقش فعال ایران در منطقه به‌خصوص از منظر اقتصادی را رقم خواهد زد. بدین ترتیب پیشنهاد می‌گردد ایران به عنوان کشور ذی‌نفع در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای از حق خود دفاع نموده و موضوع تقسیم‌بندی را بار دیگر مورد توجه این جوامع قرار دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود تا ایران با صراحت طی یک نامه رسمی به تمامی کشورها اعلام نماید؛ از آنجاکه روش مشخصی هنوز برای تحدید حدود دریای خزر مشخص نشده، لازم است تا همگی از اصل انصاف پیروی کنند و به رعایت حقوق سایر کشورها مبادرت ورزند. در کنار آن پیشنهاد می‌شود ایران بتواند در اختلافات مرزی بین کشورهای ساحلی دیگر مانند اختلافات ترکمنستان و آذربایجان، نقش میانجی‌گر را ایفا نماید؛ تا هم پرستیژ سیاسی خود را نشان داده و به نقش‌آفرینی دیپلماتیک پرداخته باشد و هم بتواند نظر کشورهای ساحلی را جلب کرده و در کنار آن با حضور در بحث‌ها، از حق قاطع ایران در دریای خزر حمایت و به پیشبرد منافع ایران مبادرت ورزد و مانع پیشروی کشورهای همسایه در منابع ایران شود.

فهرست منابع

- اطاعت، جواد و جمیدرضا نصرتی و اسماعیل ورزش (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در عدم تعیین خطوط مرزی دریایی کشورهای ساحلی دریای خزر»، راهبرد، سال ۲۰، شماره ۶۱: ۱۵۲-۱۲۳.
- پوراحمدی میدی، حسین و محمد پدین (۱۳۹۹)، «عوامل تأثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۳: ۱۴۵-۱۱۵.
- پورعلی، علیرضا (۹ اردیبهشت ۱۳۹۷)، احداث جزیره‌های مصنوعی در دریای خزر؛ فرصت یا تهدید؟ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، <https://www.irna.ir/news/82900868/%D8%A7%D8%AD%D8%AF%D8%A7%D8%AB->
- تیزتک، علی و حمید احمدی (۱۴۰۱)، «ایران و روسیه در دریای خزر: رژیم حقوقی و همکاری‌ها»، آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۸، شماره ۱۱۷، ص ۹۹-۱۲۶.
- تیزتک، علی و حمید احمدی و کیهان برزگر (۱۳۹۹)، «کنوانسیون و وضعیت حقوقی دریای خزر و تأثیر آن بر همکاری میان کشورهای ساحلی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۱: ۲۳-۱.
- جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰)، «بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز و تحدید حدود دریایی»، حقوقی دادگستری، شماره ۷۵: ۱۴۵-۱۱۳.
- جعفری، افشین و عبدالکریم شاحیدر و سمیه رسول پور نالکیا شری (۱۳۹۹)، «تحدید حدود مناطق دریایی در پرتو آراء قضایی و داوری مطالعه موردی خلیج بنگال»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۰، دوره ۲۵: ۷۰-۴۹.
- حسینی، محمدرضا (۱۴۰۲)، «چالش‌ها و رهیافت‌های تحدید حدود دریای خزر در چارچوب کنوانسیون آکتائو»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۵۲: ۶۹-۴۷.
- خدادادی، اشرف و اشرف رضائی نژاد و کارن روحانی (۱۴۰۰)، «احداث جزایر مصنوعی در خلیج فارس و دریای خزر از منظر حقوق بین‌الملل دریاها و کنوانسیون‌های منطقه‌ای»، روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۳: ۲۹۶-۲۸۱.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۵)، «بررسی ابعاد مختلف رژیم حقوقی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز»، سیاست خارجی، سال ۳۰، شماره ۱: ۹۱-۶۶.
- ساداتیان، جلال (۱۳۹۸)، «رژیم حقوقی دریای خزر، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، امنیت ایران، سال ۹، شماره ۳۴: ۳۴۵-۳۱۱.

- شریعت باقری، محمدجواد و فرخزاد جهانی (۱۳۹۰)، «تحولات رژیم بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز دریای مازندران»، فصل‌نامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۵۸: ۱۷۶-۱۳۱.
- صوفی، فریده (۱۳۹۶)، «تحلیل حقوق بین‌الملل دریاها با نگاهی بر جایگاه ایران در زمینه بین‌الملل»، فصل‌نامه علمی حقوقی قانون‌یار، دوره ۴: ۲۷۷-۲۶۵.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ضیائی بیدگلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رژیم حقوقی دریایی خزر از دیدگاه جاسینی کشورها»، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۱، شماره ۲۶: ۲۷۴-۲۶۱.
- کرم‌زاده، سیامک و افشین قشلاقی نیگجه (۱۳۹۹)، «تحدید حدود دریای خزر با تأکید بر کنوانسیون آکتائو ۲۰۱۸»، اقیانوس‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۴۲: ۱۲۳-۱۱۱.
- کنشلو، محبوبه و کیومرث یزدان‌پناه درو و حیدر لطفی و حمید بحیرایی (۱۴۰۱)، «تحلیل و بررسی جایگاه ژئوپلیتیک ایران در طرح‌های انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر در راستای تأثیر آن بر توسعه ژئوآکونومیک آسیای میانه و قفقاز»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۲، شماره ۲: ۸۷۹-۸۴۸.
- کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۹۹)، «جایگاه جزایر مصنوعی در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر»، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا.
- کیانی، جواد و رضا بیرانوند (۱۳۹۷)، «شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۶، شماره ۳: ۷۸-۵۵.
- مجتهدزاده، پیروز و رضا حسین‌پور پایان و یدالله کریمی‌پور (۱۳۸۶)، «تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک»، مدرس علوم انسانی، دوره ۲: ۲۵۵-۲۱۳.
- مجتهدزاده، پیروز و احمد رشیدی نژاد (۱۳۹۰)، «رقابت روسیه با ایران در حوزه انرژی (فسیلی) آسیای مرکزی-خزری و قفقاز»، راهبرد توسعه، شماره ۲۵: ۲۷۶-۲۶۶.
- ممتاز، جمشید و مسعود علیزاده و شهرام زرنشان (۱۴۰۱)، «تقابل ملاحظات اقتصادی و امنیتی در رژیم کنونی حقوقی دریای خزر»، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۵۲: ۳۱-۷.
- میرحیدر، دره (۱۴۰۰)، «نکاتی چند درباره وضعیت و وضعیت حقوقی ایران در دریای خزر»، ژئوپلیتیک، شماره ۱: ۱۸-۱.

- ناظمی، مهرداد (۱۳۸۰-۱۳۸۱)، «دریای خزر و حقوق بین‌الملل: گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، حقوقی، شماره ۲۷: ۳۴۸-۱۴۷.
- هرمیداس باوند، داود (۱۳۷۳)، ماهنامه جامعه سالم، شماره ۱۸، به نقل از آقائی، بهمن، مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران.
- یاکوشیک، والتین و زیبا فرزین نیا (۱۳۷۷)، «اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر»، مطالعات آسیای مرکزی، دوره ۳، شماره ۲۲: ۳۳-۲۱.
- Abdolhay, H(2004), "Sturgeon stocking programme". *FAO Fisheries Technical Paper*, (429), 133.
- Araral, E., Mukherjee, M., Qi, F. V. S. Y., & Orazgaliyev, S(2019), "Water Commons: A Critical Appreciation and Revisionist View". *Handbook of the Study of the Commons*. London: Routledge. DOI: <https://doi.org/10.4324/9781315162782-12>.
- Amirbek A(2015), "Status and Limitation of the Caspian After the Cold War Problem: Analysis of the Approaches of the Riparian States in Terms of Their Approaches". *Karadeniz Journal of Researches*, number 46, p. 30-32/Origin: Амирбек А (2015), "Состояние и ограничения Каспия после проблемы холодной войны: анализ подходов прибрежных государств с точки зрения их подходов". *Журнал исследований Карадениз*, № 46, с. 30-32.
- Behzadi R (2010), "Iran's Foreign Policy in the Caspian Sea Basin". (Electronic Version), *Central Asia and the Caucasus*, volume: 11 Issue: 3: <http://cyberleninka.ru/article/n/iran-s-foreign-policy-in-the-caspian-sea-basinoscillation-between-national-interests-and-islamic-adventures>.
- Blank, S(2018), "Thinking Big about Caspian Energy, The Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program Joint Center", Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/19064-thinking-big-about-caspian-nergy.html>, (Accessed on:12/12/2023).
- Franckx E., Razavi, A(2001), "The Problem of the Delimitation in the Caspian Sea". *Proceedings of The International Symposium on The Problems of Regional Sea*, İstanbul.
- Gavashelishvili, S(2020), "Depreciation of the Georgian Lari and Interventions of the National Bank of Georgia: An Empirical Analysis", *International Student Academy*, <https://www.researchgate.net/publication/357867560>.
- Granmayeh, A (2004), "Legal history of the Caspian Sea". In S. Akiner (Ed.) , *The Caspian: Politics, Energy and Security* (pp. 17-47). London: Routledge.

- Gunawan, Y., Sastra, V. J., Prakosa, A. T., Ovitassari, M., & Kurniasih, L. Y. (2020), "The Validity of Turkey-Libya's Agreement on Maritime Boundaries in International Law". *Jurnal Hukum dan Peradilan*, 9(2), 170-185.
- Janusz, b (2005), "The Caspian Sea: Legal status and regime problems", *The Royal Institute of International Affairs*, 2005) available at <http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/Russia%20and%20Eurasia/bp0805caspian.pdf>.
- Karataeva, E(2020), "The Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: The Final Answer or an Interim Solution to the Caspian Question?", *The International Journal of Marine and Coastal Law* ,35 ,pp 232–263.
- Kasim, K(2021), The impact of azerbaijan- Turkmenistan energy cooperation on the Caspian energy security, *Asbi Abant Sosyal Bilimler Dergisi*, Sayı: 3,pp 945-960.
- Kuchins, A. C (2009, May 15), *Azerbaijan's strategic role in Eurasian pipeline politics*. CSIS. <https://www.csis.org/events/azerbaijans-strategic-role-eurasian-pipeline-politics>.
- Lee, Y(2005), "Toward a new international regime for the Caspian Sea", *Problems of Post-Communism*, 52, 37–48. DOI: <https://doi.org/10.1080/10758216.2005.11052202>.
- Masimova, t(2021), Energy security policy of the Republic of Azerbaijan, DOI <https://doi.org/10.24195/2414-9616.2021-5.19>.
- Makili-Aliyev, K (2013), "Azerbaijan's foreign policy: between east and west". from <https://www.iai.it/sites/default/files/iaiwp1305.pdf>.
- Mareto, Irvan (2022), "perspective of international of international low on maritlme territorial dispute: Case between Indonesia and timorleste", <https://www.researchgate.net/publication>.
- Muller, D. and Betaneli, K (2018), "The new Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: New Opportunities and New Challenges", from http://knowledge.freshfields.com/en/Global/r/3848/the_new_convention_on_the_legal_status_of_the_caspian_sea.
- Ogan, S (2001), "Hazar'da Tehlikeli Oyunlar:Statü Sorunu, Paylaşılamayan Kaynaklar ve Silahlanma Yarışı". *Avrasya Dosyası. Türkmenistan Özel*, 7(2).
- Orazgaliyev, S (2018), "State intervention in Kazakhstan's energy sector: Nationalisation or participation?", *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 143–151. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.06.001>.
- Orazgaliyev, S and Araral. E (2019), "Conflict and Cooperation in Global Commons: Theory and Evidence from the Caspian Sea", *International*

- Journal of the Commons*, 13(2), pp. 962–976. DOI: <https://doi.org/10.5334/ijc.914>.
- Pannier, B(2021), “Analysis: Turkmenistan, Azerbaijan Resolve A 30-Year Dispute Over Caspian Field”, Radio Free Europe/Radio Liberty, <https://www.rferl.org/a/analysis-turkmenistan-azerbaijan-resolve-a30-year-dispute-over-caspian-field-/31063736.html>, (Accessed: 26.11.2023).
- Pritchins, Stanislav., & Anceschi, L. (2019). “Caspian Sea. *Russian Analytical Digest*”. (RAD), 235.
- Vinogradov, S. and Wouters, P(1995), “The Caspian Sea: Current Legal Problems”, *Heidelberg Journal of International Law (HJIL)*, 55 (2), 604-623.
- Zainullina, N (2020), *Political and legal status of the Caspian Sea: The position of the Republic of Kazakhstan in regard to the Caspian Sea*. (Master's thesis, Kocaeli Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü).

